



اردوهای جهادی را توسعه و تداوم بدهید

اردوهای جهادی را توسعه بدهید، تداوم بدهید. من خوشحال شدم که این جوان آمد اینجا و از اردوی جهادی صحبت کرد و شرح داد. بله، همین حرف‌هایی که ایشان گفت، همه مورد تأیید من است؛ این اردوهای جهادی، هم تمرین است، هم خدمت است، هم خودسازی است، هم آشنایی با فضای جامعه است؛ خیلی چیز با ارزشی است. روزه‌روز اینها را بتوانید توسعه بدهید؛ جهاد هم هست، واقعا جهاد است؛ کار است، جهاد است، تلاش است، خدمت به محرومین است. البته این حرف‌هایی که راجع به روستا گفتند حرف‌هایی است که ما سال‌ها در دولت‌های مختلف، گفته‌ایم… راه‌های روشنی هم دارد؛ حالا چند موردش را این جوان بیان کردند؛ یکی صنایع مناسب با روستا که اگر راه بیفتد آکارساز است. صنایع کوچکی هست که متناسب با روستا است؛ فرض کنید باغ‌های ارومیه مثلا درخت‌های سیب دارد، سیب‌های اینها می‌افتد و می‌ریزد روی زمین - بنده دیدم این‌را - و کود می‌شود. قیمتش آن قدر ارزان است که برای صاحب باغ نمی‌ارزد که پول بدهد این را جمع کنند بفرستند یک جایی؛ یعنی ا قیمت نسدارد؛ در حالی‌که اگر فرض کنید کارخانه افزودنی‌سازی یا کمپوت‌سازی یا فلان، همان جا تشکیل بشود، همه این ثروت زنده می‌شود. راه‌ها این‌چوری است؛ یعنی هیچ راه پیچیده دشواری وجود ندارد؛ خیلی راه‌های آسانی است، با سرمایه‌گذاری‌های کوچک، گاهی به ما می‌گویند آقا! اگر یک شغل بخواهیم درست بکنیم، صد میلیون لازم دارد؛ این شغل‌هایی که من می‌گویم، صد میلیون که هیچ، گاهی ده پانزده میلیون هم لازم ندارد. اینها راه‌های روشنی است؛ خوب باید همت کنند و بکنند. بنابراین به نظر من اردوهای جهادی خوب است؛ پرداختن به مسئله روستاها مهم است.

۱۲ تیر ۹۵

تربیون دانشجویی

دخانیات و بدحجابی در دانشگاه اهوازی!

■ میلاد خدری*

دانشگاه شهید چمران اهواز با پیشینه ۱۷۰۰ ساله، سهم زیادی در رشد علمی و تمدن‌سازی کشور داشته است. شهر دانشگاهی جندی شاپور که به سده ۳ و ۴ برمی‌گردد، همیشه از قطب‌های علمی کشور به حساب می‌آمد اما به صورت آکادمیک و امروزی این دانشگاه با نام جندی شاپور در سال ۱۳۳۴ تأسیس می‌شود و ۳۳ سال پیش نام شهید چمران، دانشمند و عارف وارسته را بر تارک خود می‌بیند. خیلی‌ها تلاش کردند مانع این تغییر نام شوند و حتی بعد از این اتفاق هم برخی سخنرانان معهود هنوز از بردن نام «شهید چمران اهواز» امتناع و با عنوان «جندی شاپور سابق» از آن نام می‌برند. ظاهرا عده‌ای در ۳۴ سال پیش خودمانده‌اند. در دولت تدبیر و امید این دانشگاه پیش از ۲۰ ماه با سرپرست اداره شد که متأسفانه رکود علمی و آموزشی عمیق، بی‌نظمی و بلاکلیفی بین معاونان و مسئولان ایجاد گردید که بالاخره در آبان ماه ۱۳۹۵ دکتر خواجه به عنوان رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز انتخاب شد. رفته‌رفته بلاکلیفی و نظم از دست رفته تا حدودی برطرف شد اما رکود علمی و نظمان در برابر بود چنان که در حال حاضر دانشگاه شهید چمران اهواز رتبه سیزدهم را بین دانشگاه‌های کشور کسب می‌کند. در حالی که تا سال ۹۲ این دانشگاه در رتبه نهم قرار داشت البته در چند سال اخیر رکود علمی و کم شدن شیب تولید علم در همه دانشگاه‌های کشور رخ داده است و بقیه دانشگاه‌ها هم از این عقب‌نشینی نیبستند. آخرین نگرانی‌های دانشجویی صنفی ده نیمه دوم سیال ۹۱ در دولت قبل بر می‌گردد و از آن تاریخ به بعد عملا و حتی در ظاهر هم شورای صنفی وجود نداشته و همین باعث وجود برخی بی‌نظمی‌ها در حوزه‌های امکانات رفاهی خوابگاه‌ها و دانشگاه، وضعیت تغذیه و برخی حوز‌های دیگر شده است. عدم وجود شورای صنفی باعث سرگردگی دانشجویان در طرح شکایات خود شده و معمولا تشکل‌های دانشجویی این بار را به دوش می‌کشند و مشکلات صنفی را به گوش مسئولان امر می‌رسانند. مشکلات فرهنگی دانشگاه همیشه بوده و در هیچ دوره‌ای مستثنی نبوده و نیست و مهم نحوه برخورد با این مشکلات و بعضا معضلات است. متأسفانه دو پدیده دخانیات و بدحجابی از معضلات فرهنگی دانشگاه است که تقریبا هیچ اقدامی در این دو سه سال برای مواجهه با آن صورت نگرفته است. استعمال دخانیات به حدی زیاد شده که دیگر به راحتی در خوابگاه یافت می‌شود و به ادعان مسئولان خوابگاهی قسمت زیادی از اتاق‌ها از قلیان استفاده می‌کنند و متأسفانه سیگار کشیدن به خانم‌ها هم سرایت پیدا کرده و به راحتی و بدون ترس از کسی در دانشگاه سیگار خود را روشن می‌کنند. البته تا سال ۹۲ متولی این امور اداره حراست بوده و با این پدیده‌ها برخورد می‌شد ولی اکنون در پاسخ به این اتفاق «استوراز بالا» را پهنانه می‌کنند البته اگر دستوری از بالا رسیده باید شیوه و مشی جدیدی مبتنی بر قانون داشته باشد نه اینکه این امر را بدون متولی رها کنند تا هرچه پیش آید خوش آید. بزرگ‌فکانون بد بهتر از بی‌قانونی است.»

■ فعال دانشجویی
دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشگاه

گزارشی درباره الگوی تولید ثروت از دانش

شرکت‌های دانش‌بنیانی که تأسیس نشد



تولید دانش در مراکز علمی را هموار می‌کردند.

نتیجه جنگ ۱۸۱۲ با انگلیسی‌ها انقلاب صنعتی اول را تجربه کرده بود، جرقه ورود انقلاب صنعتی به مستعمره‌نشین آمریکا بود. ضعف نیروهای نظامی آمریکا در برابر ارتش پیشرفته انگلیس که دستمزد رهای انقلاب صنعتی را در نیروی نظامی خود تثبیت نموده بود، سیاستمداران آمریکایی را به سرعت در مسیر ایجاد بسترهای پیشرفت صنعتی قرار داد. پس از جنگ ۱۸۱۲ هیئتی آمریکایی به انگلاند سفر کرد و با آشنایی با تکنولوژی نوین آن روز، اقدام به خریداری تکنولوژی‌های انقلاب صنعتی نمود و تا کمتر از نیم قرن پس از جنگ ۱۸۱۲، آمریکا در مسیر پیشرفت چشمگیر صنعتی قرار گرفت. اگر چه سرمایه اصلی این پیشرفت بر خون مردمان بیشماری از سرخوستان بومی و بردگان آفریقایی بناشد، اما نحوه اجرای الگوهای صنعتی و دانشگاهی در امریکایه یک مدل جهانی تبدیل گشت.

بر اساس این مدل و با توجه به اینکه همواره در شکل گرفتن پدیده‌های نوآورانه عنصر نیاز نقشی بی‌پدیل داشته است، دانشگاه امریکایه به سمت سیاست در‌های باز حرکت کرد. سیاست در‌های باز به معنی تعامل مشترک دانشگاه با شرکت‌های واسطی به شمار می‌رفت که از طریق سرمایه‌گذاری خطرپذیر مسیر اختراع و

تولید دانش در مراکز علمی را هموار می‌کردند.

نتیجه جنگ ۱۸۱۲ با انگلیسی‌ها انقلاب صنعتی اول را تجربه کرده بود، جرقه ورود انقلاب صنعتی به مستعمره‌نشین آمریکا بود. ضعف نیروهای نظامی آمریکا در برابر ارتش پیشرفته انگلیس که دستمزد رهای انقلاب صنعتی را در نیروی نظامی خود تثبیت نموده بود، سیاستمداران آمریکایی را به سرعت در مسیر ایجاد بسترهای پیشرفت صنعتی قرار داد. پس از جنگ ۱۸۱۲ هیئتی آمریکایی به انگلاند سفر کرد و با آشنایی با تکنولوژی نوین آن روز، اقدام به خریداری تکنولوژی‌های انقلاب صنعتی نمود و تا کمتر از نیم قرن پس از جنگ ۱۸۱۲، آمریکا در مسیر پیشرفت چشمگیر صنعتی قرار گرفت. اگر چه سرمایه اصلی این پیشرفت بر خون مردمان بیشماری از سرخوستان بومی و بردگان آفریقایی بناشد، اما نحوه اجرای الگوهای صنعتی و دانشگاهی در امریکایه یک مدل جهانی تبدیل گشت.

نشریه دانشجویی زبان گویای دانشجویی دغدغه‌مند است؛ زبانی سرخ که بعضاً سر سبزی را هم بر یاد می‌دهد، اما دانشگاه و دانشجویی تاکنون بدون این زبان صبحی را شب و شب و شبی را صبح نگرده است. نشریات دانشجویی مانند رگی پر خون به دانشگاه شورش و نشاط می‌بخشند، در عین حال همین نشریات با مسئله بحران مخاطب، ناتوانی در برقراری ارتباط با علاقه‌ها و مختلف دانشجویی و ایجاد تحرک در میان آنان رنج می‌برند. ریشه این مسائل مهم که زمینه‌ساز انفعال جدی نشریات می‌شود را می‌توان اینگونه ترشمرد:

■ **هضم در تار و بود غول‌ها**
بر رسانه‌های غول‌ها ایستادن جمله‌ای است که در عالم علم به نیوتن نسبت می‌دهند. او می‌گوید ما این شانس را داریم که بر شانه غول‌ها بایستیم، اینطور می‌توانیم بر علم و دانش و توانایی خود بیفزاییم. (نقل به مضمون البته) ما بر شانه غول‌ها می‌ایستیم تا آفاق دیدمان وسیع‌تر شود و جهت‌ها را بهتر بباییم و این یک فرصت استثنایی است که هر فردی باید از آن بهره ببرد. اولین نکته‌ای که می‌توان در خصوص نشریات دانشجویی بیان کرد نوع ارتباط آنها با غول‌های ملی رسانه است؛ بدیهی است که نشریه دانشجویی برای آموختن باید از پیشگسوت‌ها و استخوان‌دارهای میدان پیاموزد و بر شانه‌هایشان بایستد. اما دقت کلی به فضای نشریات دانشجویی هضم و حل شدن آنها در تار و بود غول‌ها و تکرار بی‌واسطه کلمات، دغدغه‌ها و مطالب آنها را آشکار می‌کند. در حقیقت نشریات دانشجویی امروزه به تربیون مجلات، سایت‌ها، روزنامه‌ها و دیدگاه‌های روزنامه نگاران و فعالان جناح‌های مختلف فکری و سیاسی بدل شده است. این اتفاق زمینه‌دوری مخاطب عام دانشگاهی و تنگ‌تر شدن حلقه مخاطبان خاصی که خود از فعالان عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه هستند را فراهم می‌آورد. مهم‌ترین تبعات این اتفاق در نشریات دانشجویی را می‌توان در چند دسته خلاصه کرد:

دانشگاه

گزارشی درباره الگوی تولید ثروت از دانش

شرکت‌های دانش‌بنیانی که تأسیس نشد



سال ۹۱ در بداری که با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان داشتند می‌فرمایند: «اگر در این شرکت‌های دانش‌بنیان خطرپذیری نباشد و آمادگی برای مواجهه با ریسک وجود نداشته باشد، کار پیش نخواهد رفت. البته راه‌هایی وجود دارد، این‌که زبان این خطر‌ها، اصل موجودیت این شرکت‌ها را تهدید نکند؛ مثل بیمه‌های مخصوص و مشخصی که برای این کار باید پیش‌بینی شود که این هم کار دستگاه‌های دولتی است.»

در ایران بر اساس آنچه در برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی شده بود تعداد این مراکز با پایان دوره پنج ساله برنامه یعنی در سال ۹۴ باید به ۲۰ هزار شرکت می‌رسید. هر چند همین رقم از نگاه مقام معظم رهبری برای جهش علمی کشور کافی نبود و ایشان در همان جلسه اعلام کرده بودند: «گفته شد که تا پایان برنامه، ۲۰ هزار شرکت تشکیل خواهد شد؛ لیکن تصور من این است که بیش از این بایستی مادر کشور به رقم شرکت‌های دانش‌بنیان اهتمام بورزیم. البته کمیت و کیفیت آنها با دیدم شده؛ که حالا مسئله کیفیت، مسئله دیگری است.»
با این وجود با پایان دوره مصوب برنامه پنجم نه تنها به رقم مورد نظر این برنامه در تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان نرسیدیم بلکه بر اساس گفته بهزاد سلطانی، رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی در آذر ماه

سال ۹۴ تنها ۱۹۵۷ شرکت دانش‌بنیان در کشور تأسیس شده‌اند. وجود شرکت‌های دانش‌بنیان به عنوان حلقه‌های واسط میان صنعت و دانشگاه ضامن عملیاتی شدن طرح‌های دانشگاهی در محیط‌های صنعتی است و هم افزایی دانش و ثروت را فراهم می‌سازد به طوری که یک شرکت دانشگاهی مسیر نامحدودی از پیشرفت و نوآوری را فراهم نماید. شرکت‌هایی از این دست و میزان موفقیت آنها در امریکا و کشور‌های اروپایی بسیار زیاد هستند. UIDP یکی از این دست مراکز است. UIDP مخفف عبارت University-Industry Demonstration Partnership است که می‌توان آن را به جلوه‌ مشارکت دانشگاه و صنعت ترجمه نمود. UIDP که از سال ۲۰۰۳ در سانفرانسیسکو به طور متمرکز فعالیت خود را آغاز نمود اعلام می‌کند هدف اصلی این نهاد افزایش همکاری مشارکتی میان دانشگاه‌ها و صنعت در امریکا است. هسته اصلی اعضای این سازمان متشکل از کارشناسان دانشگاهی و صنعتی است که با حمایت دانشگاه‌های ملی شکل گرفته است. UIDP در طول عمر خود توانست بیش از ۸۰ دانشگاه و شرکت را سازماندهی نماید و با برقراری شرایط مساعد زمینه برپه‌برداری‌های دو جانبه میان دانش و صنعت را فراهم سازد.

نشریه ممکن شود. تربیت خبرنگار دانشگاهی جهت رصد مسائل مختلف دانشگاه، شناسایی خود در خصوص مسائل کلان ملی راه‌حل دیگر این مسئله است. با ورود استاید به عرصه نشریات دانشجویی، دانشجویان دانشگاه با دیدگاه‌های کسانانی که از نزدیک آنها را می‌شناسند به واسطه نشریه دانشگاه خود مواجه می‌شوند، این اتفاق هم بسترساز طرح دیدگاه‌های متنوع‌تر در حوزه‌های مختلف می‌شود و هم زمینه‌ساز جذب مخاطبی که به واسطه اسامی و نام‌های آشنا میان خود و نشریه دانشگاهش احساس پیوند و نزدیکی بیشتری می‌کند.

■ **بی‌توجهی به محیط دانشگاه خود**
در حال حاضر می‌توان بی‌توجهی نشریات دانشجویی به مسائل پیرامونی دانشگاه خود را مسئله مهم دیگری دانست که قابل تأمل است. نشریات دانشجویی صرفاً به طرح مسائل کلانی می‌پردازند که در ظاهر نسبت چندانی با دانشگاه محل تحصیلشان ندارد. این اتفاق زمینه جذب حداکثری مخاطب را از بین برده و تنها عده معدودی را به نشریه جذب کرده و نشریه را با بحران مخاطب مواجه می‌کند. نشریه برای حل این مسئله باید بتواند با ایجاد توازن میان مطالبات ملی و مطالبات بومی دانشگاهی زمینه طرح مسائل دانشگاه و مطالبه‌گری بومی را فراهم آورده تا جذب مخاطب خاکستری بی‌توجه به مسائل عمده سیاسی و فرهنگی به

■ **تأثیر مقطعی نشریه**
هویت نشریه در انتشار مستمر و مداوم است که تثبیت می‌شود، نکته‌ای که در نشریات دانشجویی به شدت مورد غفلت واقع می‌شود. در حقیقت عمر کوتاه و انتشار کوتاه مدت نشریه معضاتی است. می‌پردازند که در ظاهر نسبت چندانی با دانشگاه محل تحصیلشان ندارد. این اتفاق زمینه جذب حداکثری مخاطب را از بین برده و تنها عده معدودی را به نشریه جذب کرده و نشریه را با بحران مخاطب مواجه می‌کند. نشریه برای حل این مسئله باید بتواند با ایجاد توازن میان مطالبات ملی و مطالبات بومی دانشگاهی زمینه طرح مسائل دانشگاه و مطالبه‌گری بومی را فراهم آورده تا جذب مخاطب خاکستری بی‌توجه به مسائل عمده سیاسی و فرهنگی به

هر نشریه دانشجویی باید بتواند آینه تمام‌نامی دانشگاه، استان و کشور خود باشد. توجه به اولویت‌های اساسی ملی، منطقه‌ای و دانشگاهی و پرداختن به این اولویت‌ها از پشت عینک دانشجویی که در حال تحصیل در دانشگاه مشخصی است با عنوان و وضعیت مشخص، می‌تواند به تقویت فضای رسانه‌ای دانشجویی در سراسر کشور کمک کرده و زمینه‌ساز تعامل پویا میان نشریات دانشگاه‌های مختلف شود. در این صورت است که نشریه هر دانشگاه می‌تواند با حفظ هویت مستقل خود به گونه‌ای منتشر شود که اگر در دانشگاهی دیگر توزیع شود از جنس دغدغه‌ها و نوع نگاهش بتوان محل انتشارش را فهمید. حال آنکه در شرایط فعلی نشریات دانشجویی کلیت واحدی هستند که رنگ و بوی محیط انتشار خود را ندارند و در تار و بود غول‌های ملی هضم شده‌اند. راه‌حل این مسئله لعیندن غول‌ها و تکیه بر داشته‌های خود است.

حرف استاد

راهکارهای بهبود

رتبه دانشگاه‌های ایران



دکتر جعفر میراد بنیانگذار پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و چه‌رماندار علمی

بهنگام نیاز دارند. دانشگاه‌ها برای بهبود و ارتقای مستمر باید در این جبهه تلاش کنند.

داده‌ها باید به طور دقیق مستند شوند. زمان ارسال داده‌های مورد نیاز نظام‌های رتبه‌بندی بسیار مهم است. تاریخی که برای ارسال داده‌ها تعیین می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد. حتی ارسال بخشی از داده‌های رتبه‌بندی کمک می‌کند تا نام دانشگاه یا دانشگاه مطرح و محاسبه شود.

بخش مهم دیگری که جایگاه و رتبه یک دانشگاه را مشخص می‌کند مربوط به داده‌های استنادی است. نظام‌های رتبه‌بندی خود به طور مستقل از ای اس ای با اسکوپوس این مشخصات دریافت می‌کنند. همچنین همکاری‌های بین‌المللی نیز از دیگر عوامل مؤثر در رتبه‌بندی‌های جهانی است. حوزه‌ای که دانشگاه‌های برتر کشور موفقیت نسبتاً خوبی به دست آورده‌اند مربوط به همکاری‌های بین‌المللی است. این بخش به ویژه در انتشار مقالات علمی قابل توجه است اما بخش دیگر که به آموزش و پژوهش مربوط می‌شود نیاز به تلاش‌های بیشتر راهبردی در این زمینه، برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌ها لازم است شرایط مورد نظر را مدنظر قرار دهند. دانشگاه‌ها بدون برنامه راهبردی در این زمینه موفقیت چندانی به دست نخواهند آورد. سال‌هاست نسبت استادان خارجی به کل استادان مورد سنجش و محاسبه قرار می‌گیرد اما اکثر دانشگاه‌های کشور در این زمینه سیاست خاص و مدونی ندارند. از این رو امتیازی که از این شاخص نصیب دانشگاه‌های کشور می‌شود از آنها سلب می‌شود.

روایت دانشجویی



آرامش پس از حل مسئله

■ **مریم رضوی**

آب قطع شده، دو روز تمام است که خوابگاه آب ندارد. نه اینکه کاملاً بی آب باشیم. یک منبع بزرگ آورده‌اند توی حیاط، مثل مادر بزرگ‌های خدابیارمرزمن باید تا ته حیاط خوابگاه برویم و آب برداریم برای ظرف شستن، برای لباس شستن، برای غذا پختن و… در مانده شده‌ام. عادت ندارم به این کارها. یادم است یکبار که برق رفته بود و آب مجتمع هم به خاطر خاموشی پمپ‌ها یکی دو ساعت قطع شده بود، مامان مثل پروانه دورم می‌چرخید. می‌گفت: «رقه دیگه مامان جان، چرا حرم می‌خوری؟ الان چی می‌خوای من برات ردیفش می‌کنم.» من معروفم به حرص خوردن. آنقدر حرص می‌خوردم که رمقی توی تنم نماند. بی‌حس و بی‌حالی می‌شوم. همین که روال معمول زندگی و کارهایم هم هم بریزد، ناامید و افسرده می‌شوم. دست خودم نیست. همه تلاشم را می‌کنم تا به دو روز بعد که مشکلات برطرف شده فکر کنم، به اینکه «این نیز بگذرد.» به حال‌ا که حرص بخوری و سکنه کنی مگه درست می‌شه؟» اما فایده ندارد. فقط حرص می‌خورم و حاضر نیستم راه‌های دیگر را امتحان کنم. آنقدر منظر رفع مشکل از سوی بقیه می‌مانم که زندگی‌ام فلج شود.

امروز هم از همان روزهاست. از صبح دارم سر مسئول خوابگاه می‌زنم که این چه وضعی است، مگر بچه‌های مردم دست شما اماتن نیستند. چرا ما باید برای برطرف کردن ساده‌ترین نیازهایمان هم در مانده شویم؟ الان من می‌خوام دوش بگیرم یا بد چه خاکی به سرم بریزم؟

چرا حرمی آرام و مادرانه می‌گوید: عزیزم، مادر جان، چرا اینقدر حرص می‌خوری؟ آب منطقه کلا قطع، کمبود آب به این روزها فقط مشکل من و تو نیست، ک!

از اینکه وقتی دارم حرص می‌خورم بقیه هم مدام بهم بگویند: حرص نخور، حالم ضایع بد می‌شود. حرم حسنی می‌گوید: الان چی می‌خوای مادر؟ اگر حوصله‌ات نیست تا ته حیاط بری، تا من به فکری برات بکنم!

تشنگی می‌کنم و راه می‌افتم سمت حیاط. بچه‌ها با لباس‌های گل‌گلی، خندان و شادان از ته حیاط، قایلمه و کاسه به دست در حال رفت و آمدند. از ماجرای قطع آب کلی جوک ساخته‌اند و ریسه می‌روند. چرا من نمی‌توانم؟ چرا بلند نشدم راه‌های دیگر را امتحان کنم؟ چرا نمی‌توانم شرایط سخت را دوام بیاورم؟ چرا توانایی مدیریت وضعیت بحرانی را ندارم؟ شاید حق دارم. هیچ‌وقت در شرایطی قرار نگرفتم که مجبور شوم به تنهایی سختی را دوام بیاورم و برای مسئله‌هایم راه‌حل پیدا کنم. از بس همیشه مادرم که مثل فرشته‌های می‌ماند نگذاشته آب توی دلم تکان بخورد. خودش و ولی‌ها هر شرایطی کنار می‌آید. منتفع است. غیظه می‌خورم به حال همه‌شان. از این بازار مسگرهایی که در سرم راه افتاده حالم به هم می‌خورد.

شاید خوابگاه برام فرصت خوبی باشد که کمی ساخته شوم، که توانایی حل مسئله را پیدا کنم، که بفهمم تا خودم مشکل‌م را حل نکنم به آرامش نمی‌رسم. فرصت خوبی است آرامش ایستادن روی پاهای خودم را تجربه کنم.